



شيوه‌های زمينه سازي عصر غيبت در دوران امامت امام عسکری (ع) شيوه‌های زمينه سازي عصر غيبت در دوران امامت امام عسکری (ع)

طبق منابع اسلامي يکي از فعاليت‌های مهم حضرت عسکری (ع)، زمينه‌سازي ايشان براي آگاهي شيعيان از چگونگي دوران غيبت و نحوه رابطه با حضرت مهدي (عج) بود.

طبق منابع اسلامي يکي از فعاليت‌های مهم حضرت عسکری (ع)، زمينه‌سازي ايشان براي آگاهي شيعيان از چگونگي دوران غيبت و نحوه رابطه با حضرت مهدي (عج) بود.

به گزارش خبرنگار مهر، حجت الاسلام روح الله رحمانی مهر کارشناس مذهبی در یادداشتی که در اختیار خبرگزاری مهر قرار داده است به زمينه سازي ظهور در ایام دوران امام حسن عسکری (ع) پرداخته است.

امام حسن عسکری (ع) در هشتم ربیع الثانی سال ۲۳۲ هجری در شهر مدینه الرسول چشم به دنیا گشود. پدر بزرگوار ايشان حضرت امام هادی (ع) و مادر ايشان بانویی دانا و پارسا بود که او را حدیث یا سلیل می خواندند. کنیه حضرت ابومحمد بود و مردم ايشان را به ابن الرضا (ع) می شناختند. بشارت به امامت آن حضرت سال ها قبل از ولادت ايشان در کلام ائمه اطهار (ع) داده شده بود. به عنوان نمونه، امام جواد (علیه السلام) در مورد امامت ايشان می فرمایند: «پیشوای پس از من، فرزندان علی است. فرمان او فرمان من و گفتار او گفتار من و اطاعت از او اطاعت از من است. پیشوای پس از او فرزندش حسن است.»

زمينه ساز ظهور

طبق منابع اسلامي يکي از فعاليت‌های مهم حضرت عسکری (ع)، زمينه‌سازي ايشان براي آگاهي شيعيان از چگونگي دوران غيبت و نحوه رابطه با حضرت مهدي (عجل الله فرجه) بود. در فضیلت و شناخت مهدي موعود (عج) احادیث فراوانی وجود دارد که از پیامبر خدا (ص) و ائمه اطهار (علیهم السلام) صادر شده است اما تأکید حضرت عسکری (س) بر این امر تأثیر بسزایی داشت. تدبیر امام حسن عسکری (ع) سبب شد شيعيان علاوه بر آن که با آثار و برکات ولی خدا در غيبت آشنا شوند، از معارف مهدویت نیز به بهترین شکل ممکن آگاهی یابند. تمثیل های امام عسکری (علیه السلام) در مورد مهدي موعود و توضیح ویژگی های بارز فرزند بزرگوار خود با استناد به آیات قرآن، حجت را برای همگان تمام کرد.

شيوه های زمينه سازي عصر غيبت

موسوی بغدادی نقل می کند: از امام حسن عسکری (ع)، شنیدم که می فرمود: «گویا شما را می بینم که پس از من درباره جانشینم اختلاف می کنید. آگاه باشید که هر کس به ائمه بعد از رسول خدا (ص)، اقرار کند، اما منکر فرزندم شود؛ مانند کسی است که به همه انبیای الهی و رسولانش اقرار داشته باشد، اما نبوت رسول اکرم (ص)، را انکار کند؛ زیرا اطاعت از آخرین نفر ما، مانند اطاعت از اولین ماست و منکر آخرین نفر ما مانند منکر اولین ماست. آگاه باشید که برای فرزندم، غیبتی است که مردم در آن شک می کنند؛ مگر کسی که خدای تعالی وی را حفظ فرماید.»

علی بن همام نیز از محمد بن عثمان عمری و او از پدرش نقل کرده است: من نزد امام عسکری (علیه السلام) بودم که از آن حضرت درباره خبری که از پدران بزرگوارش روایت شده است، مبنی بر این که: زمین از حجت الهی تا روز قیامت خالی نمی ماند و کسی که بمیرد و امام زمانش را نشناسد به مرگ جاهلیت در گذشته است، پرسیدند. ايشان فرمود: «این سخنان، حق است؛ همچنان که روز روشن، حقیقت دارد». گفتند: ای فرزند رسول خدا! حجت و امام پس از شما کیست؟ فرمود: «فرزندم محمد؛ او امام و حجت پس از من است هر که بمیرد و او را نشناسد به مرگ جاهلیت درگشته است. آگاه باشید که برای او غیبتی است که نادانان در آن سرگردان شوند، مبطلان در آن هلاک گردند و کسانی که برای آن، وقت، معین کنند، دروغ گویند. سپس خروج می کند و گویا به پرچم های سپیدی می نگریم که بر بالای سر او در نجف و کوفه در اهتراز است.»

ارتباط حدافلی با شيعيان

امام عسکری (علیه السلام) برای مهیا کردن ذهنیت مردم و خصوصاً شیعه، درباره امر غیبت، شیوه نهان سازی خود را بیش از آنچه در زندگی امام هادی (علیه السلام)، مورد توجه بود، به کار گرفت. از این رو، ايشان به جز ایامی که به دستور معتمد، برای دیدار وی از خانه بیرون می رفت و یا به جهت مصالحی که در نظر داشت، به کسی اجازه ملاقات می داد، یا خود، شخصاً به دیدار آنها می رفت، دیدار و ملاقات دیگری با مردم نداشت.

به گفته مسعودی، امام حتی برای شیعیان خود ظاهر نمی شد و از پشت پرده، با آنان سخن می گفت. این عمل حضرت عسکری و پدر بزرگوارش مقدمه ای برای غیبت صاحب الزمان (عج)، بود تا شیعیان با آن مأنوس شده و منکر غیبت نشوند؛ چرا که اگر غیبت امام عصر (عج)، به صورت ناگهانی رخ می داد، وضعیت بسیار سخت و غیر قابل تحملی برای شیعیان به وجود می آمد و چه بسا درک غیبت امام زمان (عج)، برای یاران و اصحاب خاص حضرت هم مشکل می شد؛ تا چه رسد به مردم عادی که مدت های زیادی با امام و حجت خدا به طور مستقیم ارتباط برقرار می کردند. در آن شرایط، حتی ممکن بود در اصل وجود حضرت مهدی (عج)، نیز شبهه ایجاد شود.

از سوی دیگر، امام عسکری (علیه السلام) چون در پادگان نظامی سامراء، تحت کنترل شدید حکام عباسی بودند، غالباً با شیعیان فاصله داشتند و امور و ارتباطات ایشان از طریق مکاتبات و توقیعات و وکلا بود؛ مثلاً از طریق مکاتبه به سوالات شیعیان پاسخ می دادند؛ ۵ تا جایی که «محمد بن یحیی» نقل کرده که «احمد بن اسحاق قمی» از امام عسکری (علیه السلام)، طلب دست خطی نمود تا بدان وسیله، خط حضرت را از غیر آن باز شناسد. بنابراین، می توان ارتباط مخفیانه و پنهانی امام با شیعیان را از تمهیدات مؤثر ایشان در زمینه سازی غیبت امام عصر (عج)، دانست.

تقویت سازمان وکالت

اقدام دیگر امام حسن عسکری (علیه السلام)، برای زمینه سازی غیبت، ایجاد سازمان وکالت و تقویت آن بود. این نهاد در عصر امام صادق (علیه السلام)، تشکیل شد با فعالیت های مختلف و با نظارت امامان معصوم (علیهم السلام)، کار خود را آغاز کرد و به تدریج تا زمان امام حسن عسکری (علیه السلام)، شکل منسجم نظام مندی به خود گرفت.

علل تشکیل سازمان وکالت

لزوم ارتباط بین رهبری و پیروان: در هر نظام دینی، سیاسی یا اجتماعی، ارتباط بین رهبر و اعضای آن نظام، اجتناب ناپذیر است؛ بنابراین باید کسی یا کسانی از سوی امامان شیعه، تعیین می شدند تا به عنوان وکلای آنها، با شیعیان ارتباط برقرار می کردند. این مسأله زمانی روشن تر می شود که به گستردگی عالم اسلامی در آن عصر و پراکندگی شیعیان در نقاط مختلف، اعم از عراق، حجاز، ایران، یمن، مصر و مغرب توجه کنیم. از آنجایی که همه شیعیان، توانایی مسافرت به مدینه و سایر شهرهای اقامتی امامان را نداشتند، پس لازم بود کسانی به عنوان نمایندگان و افراد مورد اعتماد امام، شناخته شوند.

خفقان حکومت عباسی و لزوم حفظ شیعیان و مکتب توسط امام: هر چند وجود خفقان را نمی توان علت اصلی تشکیل نهاد وکالت دانست، ولی به طور قطع، این مسأله، علت تشدید فعالیت این نهاد و گسترش و توسعه آن بوده است.

آماده سازی شیعیان برای عصر غیبت: بدون تردید، یکی از وجوه روی آوری ائمه (ع)، به تشکیل این نهاد، آماده سازی شیعیان برای پذیرش وضعیت جدید در عصر غیبت بود؛ عصری که شیعه در آن جز از طریق سفرا و وکلای امام، امکان ارتباط با ایشان را نداشت. با توجه به همین حقیقت بود که هرچه شیعه به عصر غیبت نزدیک تر می شد، راه ارتباط مستقیم او با امام نیز محدودتر می گشت و در مقابل، نهاد وکالت نیز تقویت می شد؛ تا حدی که در زمان امامین عسکریین غالب ارتباطات شیعه با این دو امام بزرگوار، از راه مکاتبه و یا وکلا و نمایندگان، صورت می گرفت. از این رو، می توان گفت که حداقل در عصر دو امام هادی و عسکری، تقویت نهاد وکالت به خاطر تمهید و زمینه چینی برای ورود شیعه به عصر غیبت بوده است.

وظایف و شئون نهاد وکالت

دریافت وجوه شرعی: از آغاز تأسیس این نهاد، وکلا موظف به جمع آوری و توزیع وجوهات شرعی بودند. به عنوان نمونه از «معلی بن خنیس» به عنوان وکیل و قیّم مالی امام صادق (ع)، در مدینه یاد شده است که فعالیت او در جهت جمع آوری وجوهات از شیعیان، سبب سو ظن عباسیان و سرانجام، شهادت وی شد. دریافت اموال در عصر امام عسکری (علیه السلام)، به خاطر وجود جوّ خفقان، بدون قبض رسید، انجام می شد.

رسیدگی به اوقاف: برای مثال، حسن محمد قطة صیدلانی، در رسیدگی به امور وقفی در «واسط» وکالت داشت.

راهنمایی و ارشاد شیعیان و مناظره با مخالفان: یکی از شئون مهم این نهاد، راهنمایی و ارشاد شیعیان به وظایف و اصول صحیح مکتب بوده است. تردیدی نیست که وقتی کسی به عنوان وکیل یک امام معصوم به اهالی یک شهر یا منطقه معرفی می شود، باید از نظر شناخت و آگاهی، برتر از سایر افراد باشد و از این جهت، وکلا، غالباً توسط شیعیان مورد سوال واقع می شدند.

نقش سیاسی نهاد وکالت: اهتمام حاکمیت عباسی در عصر غیبت برای شناختن اعضای نهاد وکالت، نشان از وجود نقش سیاسی این نهاد دارد.

نقش ارتباطی نهاد وکالت با مردم: وکلا به عنوان رابطین امام در شهرهای مختلف به پرسش های شرعی، کلامی و اعتقادی مردم پاسخ می دادند مکاتبات و نامه ها را به محضر امام می رساندند و پاسخ های شفاهی را دریافت می کردند.

با توجه به چنین ضرورت و کارکردی بود که امام حسن عسکری (ع)، نمایندگان مورد اعتمادی را منصوب می نمود تا برای حل مشکلات دینی و دنیوی شیعیان، رابطه میان آن حضرت و آنان باشند و شیعیان با موضوع مراجعه به نمایندگان، مأنوس شوند. این مطلب از نامه ای که آن حضرت به «احمد بن اسحاق اشعری» نوشت و در آن، نماینده مورد اعتماد و امین خود، «عثمان بن سعید عمری» را مورد تأیید و حمایت قرار داد، بر می آید؛ امام عسکری (ع)، در آن نامه فرمود: «ابوعمر، ثقه، امین و مورد اعتماد امام قبلی بوده و در زندگی و پس از مرگ من نیز مورد اعتماد من است، سخنش را بشنو و از او اطاعت کن؛ زیرا او مورد اعتماد و امین است».

امام حسن عسکری (ع)، به جهت حفظ و نگهداری اموال مسلمانان، بیم از تباه شدن و از بین رفتن آنها و نیز برای دریافت حقوق شرعی از مردم و توزیع آنها میان نیازمندان و تهیدستان، نمایندگان و وکلایی تعیین فرموده بود تا شیعیان برای حل مشکلات شرعی و اجتماعی خود به آنها پناه ببرند. ایشان به بعضی از وکلای خود مانند «ابراهیم بن عبده نیشابوری» فرمان داد تا حقوق شرعی را به آن حضرت برسانند. همین طور «عثمان بن سعید عمری» را به عنوان وکیل تامّ الاختیار خود در بغداد تعیین فرمود، به مردم و همه وکلا دستور داد تا با او در ارتباط باشند و همه حقوق واجب الهی و دیگر وجوهی را که نزدشان است به او تحویل دهند.

با وجود این، امام عسکری (ع)، کارهای انجام شده توسط وکلا را زیر نظر داشتند و به هیچ عنوان از اعمال آنها غافل نبودند و بدینسان، فرهنگ باور به امام غایب و رجوع به نائبان را در میان شیعه، نهادینه فرمودند.